

## رابطه فردگرایی / جمع‌گرایی افقی و عمودی با هویت قومی در زنان و مردان ترکمن

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۷/۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۳۰

منصور حکیم‌جوادی<sup>۱</sup>

منصوره نیکوگفتار<sup>۲</sup>

معصومه دهباشی<sup>۳</sup>

اسحاق توسلی<sup>۴</sup>

### چکیده:

**مقدمه:** هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه فردگرایی / جمع‌گرایی افقی و عمودی با هویت قومی در زنان و مردان ترکمن بود.

**روش:** پژوهش حاضر از نوع همبستگی و جامعه آماری آن شامل کلیه ساکنان شهر آق‌قلا بود که از میان آنها ۲۸۶ نفر (۱۴۵ زن و ۱۴۱ مرد) به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای سنجش هویت قومی از پرسشنامه هویت قومی فیینی (۲۰۰۷) و برای اندازه‌گیری جمع‌گرایی و فردگرایی از پرسشنامه تریاندیس و گلفاند (۱۹۹۸) استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیری و آزمون t مستقل استفاده گردید.

**یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد که بین هویت قومی و فردگرایی افقی، جمع‌گرایی افقی و جمع‌گرایی عمودی با هویت قومی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد، در حالیکه بین فردگرایی عمودی و هویت قومی همبستگی وجود ندارد. با استفاده از آزمون تفاوت میانگین گروه‌های مستقل مشخص شد که تفاوت بین مردان و زنان در هویت قومی معنی‌دار و هویت قومی مردان بیشتر از زنان بود. از سوی دیگر، نتایج نشان داد که جمع‌گرایی افقی و جنسیت پیش‌بینی‌کننده هویت قومی هستند.

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه گیلان، hakimjavadi@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد روانشناسی

<sup>۴</sup> کارشناس روانشناسی

**نتیجه‌گیری:** در جامعه سنت‌گرای چون قوم ترکمن، رابطه بین هویت قومی و جمع‌گرایی قابل‌پیش‌بینی بود؛ اما وجود رابطه معنی‌دار بین هویت قومی و فردگرایی افقی می‌تواند نشان از حرکت جوانان به سوی مدرنیسم داشته باشد. تفاوت جنسیتی در پذیرش هویت قومی مانند تحقیقات دیگر نشان از گوناگونی دریافت هر یک از دو جنس از هویت قومی داشت.  
**واژه‌های کلیدی:** هویت قومی، فردگرایی، جمع‌گرایی، ترکمن.

## **Relation between vertical/horizontal individualism, collectivism and ethnic identity in Turkmen male and female**

**Mansour Hakim Javadi, Mansooreh Nikoogoftar, Masoomeh Deh bashi, Eshagh Tavasoli**

### **Abstract:**

**Introduction:** The aim of this study was to investigate the relationship between horizontal and vertical individualism / collectivism with ethnic identity in Turkmen males and females.

**Method:** The method of the study is descriptive - exploratory. Participants were 286 persons (145 females, 141 males) Instruments: phinie ethnic identity (2007), treandis & gelfand individualism/collectivism questioner (1998).

**Results:** there was a significant relationship between ethnic identity and horizontal / vertical individualism, collectivism and vertical collectivism. there was no significant relationship between ethnic identity and vertical individualism. There was also a significant difference between males and females on ethnic identity.

**Conclusion:** The relationship between ethnic identity and collectivism were expected among traditional Turkmen but the significant relationship between ethnic identity and individualism may be an indicator of the youth movement toward modernism. Gender difference in ethnic identity is an indicator of males and females viewpoint on ethnic identity.

**Keywords:** Ethnic identity, Individualism/collectivism, Turkmen.

## مقدمه

فرهنگ شامل قوانین، آداب و ارزش‌های حاکم بر جامعه است. یکی از شناخته‌شده‌ترین الگوهای فرهنگی، جمع‌گرایی و فردگرایی است (تریانندیس، بونتیمپو، ویلارئال، آسای و لوکا<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸). در جوامع جمع‌گرا، افراد احساس می‌کنند عمیقاً به گروه و اجتماع خود تعلق خاطر دارند. در این جوامع بر صداقت و وفاداری به گروه تأکید شده، تصمیم‌های گروه بر تصمیم‌های فردی ارجحیت داده می‌شود و رفتار افراد با قوانین، اهداف و ارزش‌های گروه محک می‌خورد. این در حالی است که در فرهنگ‌های فردگرا، خود فرد و امیال و احساسات او اهمیت بیشتری دارد. افراد دارای فرهنگ فردگرا وابستگی‌های درون‌گروهی گسترده‌ای ندارند و احتیاجات و علایق دیگران را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند. مطالعات گذشته نشان داده است که جمع‌گرایی بیشتر در کشورهای آسیایی دیده می‌شود و نمونه‌های بارز آن چین، هنگ کنگ، هند، ژاپن، پاکستان و تایوان است. از سوی دیگر، فردگرایی بیشتر در کشورهای غربی دیده می‌شود که بارزترین آنها استرالیا، انگلستان، کانادا و آمریکا است (هوفستد<sup>۲</sup>، ۱۹۸۱).

شواهد اولیه نشان می‌دهد که ایرانیان از این نظر ناهمگونی زیادی دارند؛ به طوری که افرادی با پیشینه قومیتی یکسان در فردگرایی/جمع‌گرایی نتایج متفاوتی به دست می‌دهند. برای مثال، در بررسی قوم کرد دیده شد که کردهای ساکن تهران در فردگرایی نمرات بالاتری کسب کنند، در حالیکه کردهای منطقه دیواندره در جمع‌گرایی نمرات بالاتری را به دست می‌آورند (ناصرحی-بهنام<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵). با این حال، درون هر جامعه‌ای (چه شرقی و چه غربی) افرادی از هر دو گروه وجود دارند (تریانندیس، لونگ<sup>۴</sup>، ویلارئال و کلاک<sup>۵</sup>، ۱۹۸۵).

تریانندیس، نظریه‌پردازی است که بخش اصلی فعالیت پژوهشی خود را بر مطالعه فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا متمرکز ساخته است. وی با شناسایی این دو فرهنگ درصدد ساختن مقیاسی استاندارد برای اندازه‌گیری خصوصیات فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا برآمده است. به نظر او در گرایش‌های فردگرایانه تعریف از خود، غیر وابسته و به صورت یک هستی جداگانه ظاهر شده و روابط نیز بر عقلانیت تأکید می‌شود. در این حالت، افراد اختلافات شناختی زیادی را تجربه کرده و در تعیین رفتار بیش از هنجارهای موجود، بر گرایش‌های فردی تکیه می‌کنند. اصول حاکم بر جمع‌گرایی از نظر تریانندیس عبارتند از: (الف) تعریف خود در پیوند با دیگران است؛ (ب) پیروی از هنجارهای درون‌گروه برای فرد اهمیت دارد؛ (ج) افراد اختلافات شناختی کمتری را تجربه می‌کنند و (د) برای آنها اطاعت، وظیفه‌شناسی و هماهنگی با گروه در اولویت قرار می‌گیرد (تریانندیس، ۲۰۰۱). تریانندیس برای دقت هر چه بیشتر، مفاهیم افقی و عمودی را به جمع‌گرایی و فردگرایی

<sup>1</sup> Triandis, Bontempo, Villareal, Asai & Lucca

<sup>2</sup> Hofstede

<sup>3</sup> Nassehi-Behnam

<sup>4</sup> Leung

<sup>5</sup> Clack

می‌افزاید. در هر دو حالت، اصطلاح افقی نشان دهنده وضعیتی است که در آن برابری مورد تأکید قرار می‌گیرد و اصطلاح عمودی، سلسله مراتب در روابط را نشان می‌دهد (آزاده و توکلی، ۱۳۸۶). جمع‌گرایی عمودی<sup>۱</sup> بر ضرورت وجود یک هرم ساخت یافته قدرت و تقدم جمع بر فرد تأکید دارد. در جمع‌گرایی افقی<sup>۲</sup> بر هویت جمعی و هماهنگی گروهی همراه با تساوی و برابری اعضا تأکید می‌شود.

در فردگرایی عمودی<sup>۳</sup>، رقابت بین فردی و تلاش برای دستیابی به جایگاه بالاتر در هرم قدرت تشویق می‌شود و بالاخره فردگرایی افقی<sup>۴</sup> بر استقلال فردی، خودشکوفایی، تساهل و احترام به حریم خصوصی ارج می‌گذارد (تریاندیس و همکاران، ۱۹۸۸).

تأکید فردگرایی عمودی کاملاً در جهت به دست آوردن ثروت و موقعیت و تأکید جمع‌گرایی عمودی، تلاش برای کسب برتری‌های اجتماعی به همراه احساس تعهد نسبت به بزرگان و تبعیت از رهبران اجتماعی است (آیس آیسچیگی - دینا و کالدول - هریس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱). شواهد حاکی از آن است که عوامل فرهنگی بر شیوه شناخت و رفتار فرد تأثیر می‌گذارد. فرض بر این است که الگوهای فرهنگی باعث تقلیل گوناگونی‌های رفتار انسان می‌شود و روش‌های تعامل اعضای جامعه را با دیگران محدود می‌کند (تریاندیس، ۲۰۰۱). برای مثال، اوبوچی، فوکوشیما و تدشی<sup>۶</sup> (۱۹۹۹) نشان دادند که جمع‌گراها در موقعیت‌های متعارض عمدتاً به حفظ روابط با دیگران توجه نشان می‌دهند، در حالیکه فردگراها به برقراری عدالت اهمیت می‌دهند. بنابراین، جمع‌گراها شیوه‌های حل اختلافی را ترجیح می‌دهند که باعث تخریب روابطشان نمی‌شود، در حالی که فردگراها برای حل و فصل منازعات خود به دادگاه مراجعه می‌کنند.

اصطلاح قومیت اشاره به یک گروه اجتماعی دارد که خود را با مشخصه‌هایی چون ویژگی‌های فیزیکی، زبان، دودمان، فرهنگ و ملیت تعریف می‌کنند (اسمیت، واکر، فیلدز، بروکینز و سی<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹).

مفهوم قومیت غیر از مفاهیمی چون نژاد، اقلیت و اکثریت و قبیله است. ممکن است این مفاهیم شباهت‌هایی داشته باشند، ولی هر کدام در اجتماع، مفهوم خاص خود را دارند. هلمز<sup>۸</sup> (۱۹۹۰) بین نژاد و قومیت تمایز قائل می‌شود. به نظر او، نژاد عبارت است از خصایص و ویژگی‌های جسمانی که به طور ژنتیکی تعیین شده است و باعث تمایز یک زیرگروه انسان‌ها از زیرگروه دیگر می‌شود، اما واژه قومیت اشاره به این دارد که اعضای یک گروه در میراث اجتماعی و فرهنگی رایج که

<sup>1</sup> Vertical collectivism

<sup>2</sup> Horizontal collectivism

<sup>3</sup> Vertical individualism

<sup>4</sup> Horizontal individualism

<sup>5</sup> Ayse Aycicegi-Dinna & Caldwell-Harris

<sup>6</sup> Ohbuchi, Fukushima & Tedeschi

<sup>7</sup> Smith, Walker, Fields, Brookins & Seay

<sup>8</sup> Helmes

مواردی چون آداب و رسوم، زبان و اعمال مذهبی را شامل می‌شود، با یکدیگر سهیم هستند. برای مثال، هویت نژادی اشاره دارد به همانندسازی یک شخص سیاه‌پوست یا سفیدپوست با گروهی که عمدتاً از میراث نژادی مشابهی برخوردارند (موری تامس، ۱۳۸۵، ترجمه برآبادی و آقامحمدیان).

اریکسون معتقد بود که هویت تنها یک مفهوم فردی نیست، بلکه واجد اجزای اجتماعی قوی و نیرومند است. بنابراین، بررسی هویت در سؤالاتی مانند «من چه کسی هستم» و نیز «من در این جامعه چه کسی هستم» متبلور می‌شود (وورل و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

هویت قومی به چند روش تعریف شده است. از تعاریف مشهور این حوزه تعریف تاجفل<sup>۲</sup> (۱۹۸۱) است. او هویت قومی را «آگاهی فرد از عضویت در گروه اجتماعی و تعلقی که از نظر ارزشی و احساسی به گروه دارد» بیان کرده است (وورل و همکاران، ۲۰۰۶).

از نگاه فینی و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) هویت قومی دلالت بر «احساس تعلق به گروه، درک روشن از عضویت در گروه، نگرش مثبت به گروه، آشنایی با تاریخ و فرهنگ و مشارکت در آداب و رسوم آن گروه» دارد؛ مؤلفه‌هایی که همگی اجتماعی است (وورل و همکاران، ۲۰۰۶). هویت قومی جنبه مهمی از خودپنداره محسوب می‌شود و شکل‌گیری آن متأثر از فرآیند جامعه‌پذیری و پدیده‌های درون‌گروهی حاصل از وضعیت افراد گروه قومی است (نایت و برنال<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳).

فینی (۱۹۹۲) معتقد است که رشد هویت قومی در نوجوانی رخ می‌دهد. او بر این باور است که تعریف مشخصی از هویت قومی وجود ندارد و در عین حال، در تعریف هویت قومی بر چهار بُعد تأکید می‌کند:

بعد نخست، تعریف خود است، اینکه فرد به لحاظ قومی چه برچسبی به خود می‌زند؛ بعد دوم، رفتار و اعمال قومی است. این بعد هویت قومی مستلزم مشارکت با اعضای گروه قومی خود در فعالیت‌های اجتماعی و شرکت در سنت‌های فرهنگی است؛ بعد سوم، پذیرش و تعلق است. این بعد نیز به احساسات مثبت و دلبستگی به گروه خود و احساس افتخار و عزت گروهی اشاره دارد و بعد چهارم، هویت قومی موفق است که شامل درک روشن فرد از هویت قومی، عضویت در گروه قومی خود و تعهد نسبت به آن است. افرادی که هویت قومی بالایی دارند بیشتر دوست دارند در آداب و رسوم فرهنگی گروه قومی‌شان شرکت کنند و اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی‌شان را با آن یکپارچه سازند (فینی، ۱۹۹۶).

اما در بررسی ریشه‌های مشترک فردگرایی/ جمع‌گرایی و هویت قومی که هر دو از عناصر فرهنگی هستند می‌توان به مطالعات ویتل، ناواچوکو و بارنز<sup>۵</sup> (۱۹۹۳) اشاره کرد که با استفاده از نظرات هوفستد (۱۹۸۴) در جهت استنباط گزاره‌های خاص فرهنگی مرتبط با مسائل قومی و تأثیر

<sup>1</sup> Worrell et.al.

<sup>2</sup> Tajfel

<sup>3</sup> Phinney et.al.

<sup>4</sup> Knight & Bernal

<sup>5</sup> Vitell, Nwachukwu & Barnes

آن بر رفتار، ابعاد فرهنگی را بررسی کردند. در همین جهت کوهن، پانت و شارپ<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) الگویی استقرایی از تأثیر فرهنگ بر ادراک مسائل قومی بنا نهادند، اما جنبه‌های دیگر فرآیند تصمیم‌گیری قومی را تشخیص دادند؛ مانند استدلال اخلاقی و رفتارهای اخلاقی که در بررسی آنها به ذکر جزئیات بیشتری نیاز بود. رابرتسون و فادیل<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) به اکتشاف برخی از جنبه‌های ارتباط ابعاد فرهنگی و فردگرایی / جمع‌گرایی پرداختند؛ برای مثال اینکه فردگرایی / جمع‌گرایی تا چه حد قومیت و تعهد به آن را نشان می‌دهد. با توجه به این پایه‌های نظری، ارتباط بین فردگرایی / جمع‌گرایی و هویت قومی از این حیث اهمیت دارد که تلاش در جهت کسب هویت قومی در واقع یک تلاش جمع‌گرایانه است، در حالیکه تلاش فردگرایانه به همبستگی‌های قومی توجهی ندارد. از این حیث انجام این تحقیق در قوم ترکمن که در محدوده جغرافیایی خاصی به همراه سنت‌های خاصی زندگی می‌کنند می‌تواند نشان دهد که نسل جوان که نوعاً درگیر کسب علم و مراتب دانشگاهی در نقاط مختلف ایران می‌باشند تا چه حد تحت تأثیر عناصر فردگرایی جامعه مدرن قرار می‌گیرند (فردگرایی) و تا چه حد نگاه به گذشته دارند (جمع‌گرایی).

در تفاوت دو جنس در هویت قومی، انتظارات متفاوت فرهنگ‌های مختلف از دو جنس نقش مهمی ایفا می‌کند. برای مثال، دخترهای ایرلندی بسیار بهتر از پسرها با فرهنگ ایرلندی تطابق می‌یابند (اولاه<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵). در ژاپن نیز دخترها بیش از پسرها هویت قومی خود را می‌پذیرند (ماسودا، هاسه گاو و ماتسوموتو<sup>۴</sup>، ۱۹۷۳)، اما در مقابل پسران یهودی در کانادا پذیرش بیشتری از دختران یهود نسبت به هنجارهای یهودی دارند (فتیحی<sup>۵</sup>، ۱۹۷۲).

از پژوهش‌های انجام شده در خصوص رابطه فردگرایی / جمع‌گرایی و هویت قومی می‌توان به پژوهش کوماراجو و کوکلی<sup>۶</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه ابعاد عمودی و افقی فردگرایی و جمع‌گرایی در اقوام متفاوت اشاره کرد. آنها دریافتند آمریکایی‌های آفریقایی تبار در فردگرایی افقی نمرات بالاتری کسب می‌کنند و آمریکایی‌های اروپایی تبار در جمع‌گرایی افقی و فردگرایی عمودی بالاتر هستند. همبستگی فردگرایی و جمع‌گرایی در میان آمریکایی‌های آفریقایی تبار مثبت معنی‌دار بود، اما این رابطه در میان آمریکایی‌های اروپایی تبار فاقد همبستگی بود. به‌علاوه، آمریکایی‌های آفریقایی تبار در جمع‌گرایی نمراتی بالاتر از میانگین کسب کردند که این موضوع در مورد آمریکایی‌های اروپایی تبار صدق نمی‌کرد. دیگر آنکه بر خلاف فرض دوقطبی بودن جمع‌گرایی / فردگرایی در این تحقیق، فردگرایی / جمع‌گرایی یک قطبی به دست آمد.

<sup>1</sup> Cohen, Pant & Sharp

<sup>2</sup> Robertson & Fadil

<sup>3</sup> Ullah

<sup>4</sup> Masuda, Hasegawa & Matsumoto

<sup>5</sup> Fathi

<sup>6</sup> Komarraju & Cokley

میرزایی (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی فردگرایی در ایران با تأکید بر پیمایش ساکنین شهر تهران» فردگرایی در ایران را با تفکیک سویه‌های مثبت و منفی این مفهوم بررسی و فردگرایی ایرانیان را از نوع غیراجتماعی و خودخواهانه ترسیم می‌کند. نوروزی (۱۳۷۵) در پژوهشی با عنوان «فردگرایی در بین جوانان در حال تحصیل شهر تهران» دریافت که این دانشجویان بیشتر تمایل به فردگرایی دارند تا جمع‌گرایی.

وورل و همکاران (۲۰۰۶) پژوهشی با عنوان «هویت گروه‌های چندگانه در یک نمونه از نوجوانان اهل زیمبابوه» انجام دادند. این مطالعه نشان از اهمیت هویت قومی در میان این جوانان داشت. بیلارد و هارت لاب<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) در مطالعه هویت قومی، پیشرفت تحصیلی و عزت نفس در میان ی نمونه‌ای از دانش‌آموزان آمریکایی مکزیکی تبار دریافتند که این دانشجویان درک قوی‌تری از رابطه هویت قومی دارند تا دانشجویان آمریکایی اروپایی تبار. پرسشنامه هویت قومی فینی (۱۹۹۲) در سنجش رابطه هویت قومی و عزت نفس همبستگی معنی‌داری بین این دو نشان داد، اما پیشرفت تحصیلی با این دو متغیر رابطه‌ای نداشت.

فکوهی (۱۳۸۸) در تحقیقی، هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که احساس تعلق به هویت کردی (هویت قومی) در بین جوانان بسیار قوی‌تر از احساس تعلق به هویت ایرانی است. گدازگر و فتحی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «دانش‌آموزان دختر: هویت دینی یا هویت قومی» دریافتند که دانش‌آموزان ترک نسبت به دانش‌آموزان کرد و ارمنی از لحاظ هویت قومی در مرتبه پایین‌تری قرار دارند؛ بدین معنا که قومیت برای آنان نسبت به دو گروه دیگر برجستگی کمتری دارد. از طرف دیگر، میانگین به دست آمده از کل پاسخگویان، حکایت از جایگاه نسبتاً ضعیف هویت قومی در آنها داشت. وینک<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) در سنجش ارتباط بین فردگرایی/ جمع‌گرایی و هویت قومی دانشجویان چینی، کره‌ای و اروپایی که در آمریکا مشغول به تحصیل بودند، دریافت که هویت قومی چینی‌ها و کره‌ای‌ها نسبت به هویت قومی اروپایی‌ها پیش‌بینی‌کننده مناسب‌تر جمع‌گرایی بود.

ریلو و آلیک<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) در مطالعه سه گروه دانشجوی آمریکایی، روسی و استونیایی دریافتند که بر خلاف مطالعات گذشته، دانشجویان استونیایی کمترین میزان جمع‌گرایی و دانشجویان روسی به نسبت دانشجویان آمریکایی و استونیایی بیشترین میزان جمع‌گرایی را نشان دادند.

اسمولیز، سکومبه و هادسون<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) در مطالعه بر روی مهاجران لیتوانیایی، ایتالیایی، یونانی و چینی ساکن در استرالیا دریافتند که لیتوانیایی‌ها بیش از سایر گروه‌ها به داشتن مدارس خاص خود و تأکید بر قومیت و زبان خود تأکید داشتند. اویسترمن و ساکاموتو<sup>۵</sup> (۱۹۹۷) در مطالعه رابطه

<sup>۱</sup> Buouillard & Hartlaub

<sup>۲</sup> Wink

<sup>۳</sup> Realo & Allick

<sup>۴</sup> Smolicz, Secombe & Hudson

<sup>۵</sup> Oystererman & Sakomoto

فردگرایی / جمع‌گرایی و هویت قومی دریافتند که هنگام پیشداوری درباره آمریکایی‌های آسیایی تبار، دانشجویان آسیایی که از هویت قومی قوی‌تر برخوردارند و جمع‌گراتر هستند، برچسب‌های قومی مثبت‌تری درباره آسیایی‌ها به کار می‌برند.

آسودو و ایگناسیو<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) در مطالعه رابطه عضویت در گروه قومی، هویت قومی و فردگرایی / جمع‌گرایی در دانشجویان آفریقایی آمریکایی و اروپایی آمریکایی شاغل به تحصیل در آمریکا دریافتند که دانشجویان آفریقایی آمریکایی تبار جمع‌گراتر هستند و این تنها به دلیل گروه قومی آنها است.

با توجه به آنچه گفته شد و نظر به اینکه ایران با قومیت‌ها و فرهنگ‌های متعدد روبه‌رو است، بررسی رابطه یک قومیت خاص با عنصری عمومی‌تر چون فردگرایی / جمع‌گرایی می‌تواند سودمند باشد و می‌توان رابطه درون گروهی و بین گروهی قوم ترکمن را مورد بررسی قرار داد.

## روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان و مردان ترکمن ۳۵-۱۸ سال شهر آق قلا بود. تعداد مردان این شهر ۱۶۶۳۳ و تعداد زنان ۱۶۸۵۷ نفر (سالنامه آماری استان گلستان، ۱۳۸۸) و تراکم جمعیت ترکمن در آق قلا ۹۸٪ بود. در نتیجه، جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۲۸۲۰۲ نفر بود که از میان آنها ۲۸۶ نفر (۱۴۵ زن و ۱۴۱ مرد) از قوم ترکمن که ۱۸ تا ۳۵ ساله بودند، به طور تصادفی انتخاب شدند. از میان کل آزمودنی‌ها، افراد ۲۵-۲۱ ساله (۶۰/۵ درصد)، زنان (۵۰/۷ درصد) و افراد دارای مدرک لیسانس (۵۰ درصد) بیشترین فراوانی را به خود اختصاص دادند.

## ابزار پژوهش

**پرسشنامه هویت قومی فینی (۲۰۰۷):** برای سنجش هویت قومی از پرسشنامه هویت قومی فینی (۲۰۰۷) استفاده شد که فرم کوتاه شده پرسشنامه هویت قومی فینی (۱۹۹۲) است. این پرسشنامه با هفت سؤال در یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت، نظر افراد را از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می‌سنجد. در این پرسشنامه، نامگذاری خود و قومیت، رفتارها و فعالیت قومی، احساس تعلق قومی، هویت قومی موفق و نگرش نسبت به گروه‌های قومی دیگر مورد سنجش قرار می‌گیرد. پایایی این مقیاس برای دانش‌آموزان دبیرستانی ۰/۸۱ و برای دانشجویان ۰/۹۰ به دست آمد و همسانی درونی (الفای کرونباخ) خرده مقیاس‌های هویت قومی بین ۰/۶۹-۰/۷۴ گزارش شده است (فینی، ۱۹۹۲) همسانی درونی هویت قومی در پژوهش حاضر ۰/۶۲ به دست آمد.

<sup>۱</sup> Acevedo & Ignacio



**پرسشنامه جمع‌گرایی و فردگرایی تریاندیس و گلفاند (۱۹۹۸):** برای سنجش جمع‌گرایی و فردگرایی از پرسشنامه تریاندیس و گلفاند (۱۹۹۸) استفاده شده است. این پرسشنامه شامل ۱۶ ماده است که برای سنجش هر یک از زیر مقیاس‌های فردگرایی افقی، فردگرایی عمودی، جمع‌گرایی افقی و جمع‌گرایی عمودی چهار ماده در نظر گرفته شده است. پرسش‌ها بر اساس مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای مرتب شده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ برای همسانی درونی این پرسشنامه ۰/۸۶ می‌باشد (سینگلیس، تریاندیس و بوواک، ۱۹۹۹) که در پژوهش حاضر ۰/۶۱ محاسبه شد.

## یافته‌ها

شاخص‌های آماری متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱- شاخص‌های آماری متغیرهای پژوهش

متغیر	شاخص	میانگین	انحراف استاندارد
هویت قومی	۲۳/۸۶	۳/۰۵	
فردگرایی افقی	۱۴/۷۵	۲/۲۵	
فردگرایی عمودی	۱۲/۷۴	۲/۰۹	
جمع‌گرایی افقی	۱۴/۷۱	۲/۲۷	
جمع‌گرایی عمودی	۱۵/۹۱	۲/۵۲	

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، هویت قومی دارای بیشترین میانگین (۲۳/۸۶) و انحراف استاندارد (۳/۰۵) و فردگرایی عمودی دارای کمترین میانگین (۱۲/۷۴) و انحراف استاندارد (۲/۰۹) است. جهت بررسی رابطه فردگرایی / جمع‌گرایی افقی و عمودی با هویت قومی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- ضرایب همبستگی فردگرایی / جمع‌گرایی افقی و عمودی با هویت قومی

متغیر	متغیر	هویت قومی
فردگرایی افقی	۰/۱۴*	
فردگرایی عمودی	۰/۰۵۶	
جمع‌گرایی افقی	۰/۱۷۶**	
جمع‌گرایی عمودی	۰/۱۳۹*	

\* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است

\*\* همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است

براساس نتایج جدول ۲، بین فردگرایی افقی ( $r=0/14$  و  $p<0/05$ )، جمع گرایی افقی ( $r=0/176$  و  $p<0/01$ ) و جمع گرایی عمودی ( $r=0/139$  و  $p<0/05$ ) با هویت قومی رابطه مثبت معنی دار وجود دارد، اما بین فردگرایی عمودی و هویت قومی همبستگی وجود ندارد.

جهت بررسی تفاوت سطح هویت قومی و فردگرایی / جمع گرایی افقی و عمودی در زنان و مردان ترکمن، نمرات دو گروه با استفاده از آزمون تفاوت میانگین گروه‌های مستقل مقایسه شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- مقایسه نمرات هویت قومی و فردگرایی / جمع گرایی افقی و عمودی در دو جنس

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معنی داری
فردگرایی افقی	مرد	۱۴/۲۷	۲/۲۵	-۰/۴۹۸	۲۸۴	۰/۶۱۹
	زن	۱۴/۶۸	۲/۲۵			
فردگرایی عمودی	مرد	۱۲/۵۲	۲/۶۵	-۱/۴۶۲	۲۸۴	۰/۱۴۴
	زن	۱۲/۹۵	۲/۳۴			
جمع گرایی افقی	مرد	۱۴/۸۲	۲/۳۴	۰/۸۵۴	۲۸۴	۰/۳۹۴
	زن	۱۴/۶	۲/۲			
جمع گرایی عمودی	مرد	۱۶/۱۲	۲/۵۲	۱/۳۵۱	۲۸۴	۰/۱۷۸
	زن	۱۵/۷۱	۲/۵۲			
هویت قومی	مرد	۲۴/۲۶	۲/۹۸	۲/۲۵۴	۲۸۴	۰/۰۲۵
	زن	۲۳/۴۶	۳/۰۷			

همان طور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، تنها در متغیر هویت قومی تفاوت بین مردان و زنان معنی دار است و با توجه به میانگین‌ها، هویت قومی مردان بیشتر از زنان می‌باشد. به منظور پیش‌بینی هویت قومی بر اساس نمرات فردگرایی / جمع گرایی افقی و عمودی و جنسیت از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیری استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- خلاصه رگرسیون فردگرایی / جمع گرایی افقی - عمودی و هویت قومی

متغیر	مجذور R	F	B	Beta	t
گام اول	۰/۱۹۱	۹/۱۱۷	۲۰/۳۷۸	-	**۱۷/۴۶۱
جمع گرایی افقی			۰/۲۳۷	-۰/۱۷۶	**۳/۰۱۹
گام دوم	۰/۲۱۵	۴/۵۴۷	۲۱/۶۳۹	-	**۱۶/۶۲۰
جمع گرایی افقی			۰/۲۲۸	-۰/۱۷۰	**۲/۹۲۶
جنس			-۰/۷۵۵	-۰/۱۲۴	*-۲/۱۳۲

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که جمع گرایی افقی و جنسیت متغیرهای نیرومندی برای تبیین هویت قومی به شمار می‌روند و تقریباً ۲۱/۵ درصد از تغییرات هویت قومی را تبیین می‌کنند.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر رابطه فردگرایی/ جمع‌گرایی افقی و عمودی را با هویت قومی در زنان و مردان ترکمن ارزیابی کرده است. یافته‌ها نشان داد که بین فردگرایی افقی، جمع‌گرایی افقی و جمع‌گرایی عمودی با هویت قومی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد، در حالیکه بین فردگرایی عمودی و هویت قومی همبستگی وجود ندارد. به نظر می‌رسد قوم ترکمن نگرش مثبت به گروه، آشنایی با تاریخ و فرهنگ و مشارکت در آداب و رسوم گروه را دارند. مؤلفه‌هایی که همگی اجتماعی است، اما بین هویت قومی و فردگرایی عمودی همبستگی وجود ندارد، زیرا در فردگرایی عمودی تأکید بر به دست آوردن ثروت و موقعیت و رقابت بین فردی و تلاش برای دستیابی به جایگاه بالاتر است که با تعلق قومی در تناقض قرار می‌گیرد. این یافته با نتایج پژوهش‌های کوماراجو و کولکی (۲۰۰۸)، وورل و همکاران (۲۰۰۶)، وینک (۱۹۹۷) و ریلو و آلیک (۱۹۹۹) همسو و با نتایج پژوهش نوروزی (۱۳۷۵) ناهمسو می‌باشد.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر که نشان از کسب نمرات بالا در هویت قومی در بین ترکمن‌ها و به‌خصوص مردان دارد، وجود رابطه بین هویت قومی با جمع‌گرایی در این نمونه انتظار می‌رفت، اما نتایج پژوهش نشان داد که بین هویت قومی و فردگرایی نیز رابطه معنی‌دار وجود دارد که این یافته شاید حکایت از بازتاب گذار این قوم به مدرنیسم و تبعیت از هنجارهای آن داشته باشد که در آن منافع فردی مورد توجه قرار می‌گیرد.

جهت بررسی تفاوت سطح هویت قومی و فردگرایی/ جمع‌گرایی افقی و عمودی در زنان و مردان ترکمن، نمرات دو گروه با استفاده از آزمون تفاوت میانگین گروه‌های مستقل مقایسه شد که تنها در متغیر هویت قومی تفاوت بین مردان و زنان معنی‌دار و با توجه به میانگین‌ها هویت قومی مردان بیشتر از زنان بود. جالب آنکه این آموخته فرهنگی در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است. برای مثال، اولاه (۱۹۸۵) و ماسودا، هاسه گاوا و ماتسوموتو (۱۹۷۳) در ایرلند و ژاپن گرایش به فرهنگ بومی را در دخترها بیشتر یافتند و فتحی (۱۹۷۲) در فرهنگ یهودی این گرایش را در بین مردان بیشتر یافت. این یافته‌ها تأییدکننده تفاوت‌های جنسی در هویت قومی می‌باشد.

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری به منظور پیش‌بینی هویت قومی براساس نمرات فردگرایی/جمع‌گرایی افقی و عمودی نشان داد که جمع‌گرایی افقی و جنسیت ۲۱/۵ درصد تغییرات هویت قومی را تبیین می‌کنند. در جوامع جمع‌گرا افراد احساس می‌کنند عمیقاً به گروه و اجتماع خود تعلق خاطر دارند. در این جوامع، تصمیم‌های گروه بر تصمیم‌های فردی ارجحیت داده می‌شود. افراد دارای فرهنگ فردگرا وابستگی‌های درون‌گروهی گسترده‌ای ندارند و احتیاجات و علایق دیگران را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند. این یافته حکایت از آن دارد که میزان جمع‌گرایی می‌تواند نشان دهد که افراد تا چه میزان وابستگی‌های قومی را حفظ کرده و به آن پایبند هستند.

در مجموع از یافته‌های این پژوهش می‌توان دریافت که هویت قومی و جمع‌گرایی افقی و عمودی و فردگرایی افقی با یکدیگر رابطه دارند و با وجود مدرن شدن جامعه و حس رقابت در بین

جوانان که از مشخصات فردگرایی است و در تحقیق حاضر نیز دیده شد، هنوز هم جمع‌گرایی و ادراک هویت قومی در بین ترکمن‌ها فراگیر است. در پایان پیشنهاد می‌شود فردگرایی / جمع‌گرایی در قومیت‌های مختلف ایران مورد بررسی قرار گیرد تا علاوه بر سنجش هویت قومی در هر قومیت، رابطه بین این دو متغیر نیز سنجیده شود.

## منابع

- آزاده، منصوره و توکلی، عاصفه. (۱۳۸۶). فردگرایی، جمع‌گرایی و دینداری. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۹، ۱۰۱-۱۲۵.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۸). هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران (مطالعه موردی معیشت اقتصادی و تعلق‌های هویتی نزد جوانان شاغل در اقتصاد غیررسمی پیرانشهر). *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ۲، ۴۹-۷۵.
- گدازگر، حسین و فتحی، لاله. (۱۳۸۴). دانش‌آموزان دختر: هویت دینی یا هویت قومی. *فصلنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز*، ۱۹، ۴۲-۵۰.
- موری تاس، رابرت. (۱۳۸۵). *نظریه‌های نوین تحول انسان*. ترجمه حامد برآبادی و حمیدرضا آقامحمدیان. تهران: نشر نی.
- میرزایی، حسین. (۱۳۸۴). *بررسی جامعه‌شناختی فردگرایی در ایران با تأکید بر پیمایش ساکنین شهر تهران*. پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران.
- نشریه سالنامه آماری استان گلستان. (۱۳۸۹). معاونت برنامه‌ریزی استانداری.
- نوروزی، فیض‌الله. (۱۳۷۵). *فردگرایی در بین جوانان در حال تحصیل شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

Acevedo, P., & Ignacio, D. (2003). *Understanding ethnicity: The relation among ethnicity, collectivism, and individualism in African Americans and European American*. M. A. desertation. hdi.handle.net/10225/456.

Ayşe Aycicegi-Dinna, C., & Caldwell-Harris, L. (2011). Individualism collectivism among Americans, Turks and Turkish immigrants to the U.S. *International Journal of Intercultural Relations*, 35, 9-16.

Brouillard, P. M. G., & Hartlaub, M. (2005). Ethnic identity, academic achievement, and self-esteem among Mexican-American university students. *Review of Psychology*, 12, 155-160.

Cohen, J. R., Pant, L. W., & Sharp, D. J. (1996). A methodological note on cross-cultural accounting ethics research. *International Journal of Accounting*, 31, 55-66.

Fathi, A. (1972). Some aspects of changing identity of Canadian Jewish youth. *Jewish Social Studies*, 34, 23-30.

Hofstede, G. (1981). *Culture's consequences international differences in work-related values*. London: Sage.

Hofstede, G. (1984). *Culture's consequences*. Beverly Hills, CA: Sage.

Knigh, G. P., & Bernal, M. E. (1993). *Ethnic identity: Formation and transmission among Hispanics and other minorities*. New York Press.

Komarraju, M., & Cokley, K. O. (2008). Horizontal and vertical dimensions of individualism-collectivism: A comparison of African Americans and European Americans. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology, 14*, 336-343.

Masuda, M., Hasegawa, R., & Matsumoto, G. (1973). Ethnic identity questionnaire: A comparison of three Japanese age groups. *Journal of Cross-Cultural Psychology, 4*, 229-244.

Nassehi-Behnam, V. (1985). Change and the Iranian family. *Current Anthropology, 26*, 557-567.

Ohbuchi, K. L., Fukushima, O., & Tedeschi, J. T. (1999). Cultural values in conflict management: Goal orientation, goal attainment, and tactical decision. *Journal of Cross-Cultural Psychology, 30*, 51-71.

Oysterman, D., & Sakamoto, I. (1997). Being Asian American: Identity, cultural constructs, and stereotype perception. *Journal of Behavioral Science, 33*, 435-452.

Phinney, J. (1992). The multi-group ethnic identity measure: A new scale for use with adolescents and young adults from diverse groups. *Journal of Adolescent Research, 7*, 156-176.

Phinney, J. (1996). Understanding ethnic diversity. *American Behavioral Scientist, 40*, 143-152.

Realo, A., & Allick, J. (1999). Across cultural study of collectivism: A comparison of American, Estonian, and Russian students. *Journal of Social Psychology, 139*, 133-142.

Robertson, C., & Fadil, P. A. (1999). Ethical decision making in multinational organizations: A culture-based model. *Journal of Business Ethics, 19*, 385-392.

Singelis, T., Triandis, H., & Bhawuk, D. P. (1999). Horizontal and vertical dimensions of individualism and collectivism: A theoretical and measurement refinement. *cross-cultural research, 29(3)*. 240-275.

Smith, E. P., Walker, K., Fields, L., Brookins, C. C., & Seay, R. C. (1999). Ethnic identity and its relationship to self-esteem, perceived efficacy and prosocial attitudes in early adolescence. *Journal of Adolescence, 22*, 867-880.

Smolicz, J., Secombe, M. J., & Hudson, D. M. (2001). Family collectivism and minority language as a core values of cultural among ethnic in Australia. *Journal of Multilingual and Multicultural Development, 22*, 152-172.

Triandis, C. H. (2001). Individualism-collectivism and personality. *Journal of Personality, 69*, 907-924.

Triandis, C. H., Bontempo, R., Villareal, M.J., Asai, M., & Lucca, N. (1988). Individualism and collectivism: Cross-cultural perspectives on self-ingroup relationships. *Journal of Personality and Social Psychology, 54*, 323-338.

Triandis, C. H., Leung, K., Villareal, M., & Clack, F. L. (1985). Allocentric versus Idiocentric tendencies: Convergent and discriminant validation. *Journal of Research in Personality, 19*, 395-415.

Ullah, P. (1985). Second generation Irish youth: Identity and ethnicity. *New Community, 12*, 310-320.

Vitell, S. J., Nwachukwu, S. L., & Barnes, J. H. (1993). The effects of culture on ethical decision making: An application of Hofstede's typology. *Journal of Business Ethics, 12*, 753-760.

Wink, P. (1997). Beyond ethnic differences: Conceptualizing the influence of ethnicity on individualism and collectivism. *Social Issues, 53*, 329-334.

Worrell, F. C., Liza, M., Conyers, E., Mpofu, D., Beverly, J., & Vandiver, M. (2006). Multi-group ethnic identity measure scores in a sample of adolescents from Zimbabwe. *An International Journal of Theory and Research, 6*, 35-59.